

بازار بدون پول، تعادل نمی‌گیرد

بی‌اعتمادی خطرناک‌تر از ریزش

صفحه ۸

دوشنبه ۹ تیر ۱۴۰۴

۴ محرم ۱۴۴۷

۳۰ ژوئن ۲۰۲۵

سال بیست‌ونگم

شماره ۵۹۴۳

۱۲ صفحه

۱۰۰۰۰ تومان

روزنامه‌سج ایران

فرصتی برای ترمیم رابطه دولت ملت

قدر مردمی که باید

بدانیم

گروه سیاسی – بامداد ۲۳ خرداد ماه، اسرائیل در یک عملیات غافلگیر کننده به تهران و برخی نقاط دیگر کشور حمله کرد و برخی از فرماندهان ارشد کشور، دانشمندان هسته ای و مردم را به شهادت رساند. حمله‌ای که شروع جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل بود اما در نهایت پس از قریب به دو هفته به آتش بس منجر شد.

اما در بحبوحه نبرد ۱۲ روزه تهران و تل آویو، سیاست ورزی سیاسیون ایران رنگ و بوی دیگری به خود گرفته بود؛ دیگر از آن درگیری های جناحی و دعوای‌های حیدری و نعمتی خبری نبود و همه اهالی سیاست پا به میدان گذاشتند و تجاوز اسرائیل به میهن را محکوم کردند؛ از چهره هایی چون همایون کاتوزیان و زهرا رهنورد تا نهضت آزادی و ... در واقع، انسجام ملی که در میان مردم در حمایت از وطن شکل گرفت هم در میان سیاسیون به یک اولویت تبدیل شد و دفاع از خاک کشور بر هر اختلاف جناحی سایه انداخت.

اما این به معنای آن نیست که مردم گلایه های خود را فراموش کردند. طبیعی است که مطالبات مردم همچنان سر جای خود باقی است و این مردم نه فقط در زمان بحران که باید در هر مقطعی با یک چشم دیده شوند.

به باور کارشناسان این جنگ ۱۲ روزه می‌تواند فرصتی باشد تا با اصلاحات در سیاستگذاری‌ها و نهاده‌ها، به ارتقای سرما به اجتماعی، بهبود حکمرانی، پیشرفت کشور و تقویت بنیاد تمدنی ایران منجر شود.

شرح در صفحه ۷

دلتنگی شهرام شب‌پره برای وطن:

امیدوارم به‌ایران برگردم

صفحه ۷



خطر همچنان تئاتر شهر را تهدیدمی‌کند

بازگشت تئاتر پس از

آتش‌بس

صفحه ۶



تنها راه نجات اقتصاد، بازگشت به اصول سیاست‌گذاری علمی است

اقتصاد زیر چتر

تورم

صفحه ۹

خبر

ترامپ:

غنی‌سازی واژه بدی است؛ به ایران اجازه این کار را نخواهم داد

رئیس‌جمهور آمریکا در اظهاراتی ادعا کرد: «در طول مذاکرات، ایران خواستار ادامه یافتن برنامه غنی‌سازی اورانیوم خود شد. اما من اجازه آن را ندادم و نخواهم داد.»

به گزارش مانیپورینگ ایستا، «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا در گفت‌وگو با شبکه آمریکایی به تکرار ادعاهای بی‌اساس علیه ایران روی آورد. او در گفت‌وگو با شبکه آمریکایی «فاکس نیوز»، بازوی رسانه‌ای اصلی نتوکان‌ها و حامیان جنایات صورت گرفته علیه ایران، مدعی شد: «می‌دانستیم ایران تأسیسات بسیار زیادی دارد. آن‌ها سه تأسیسات هسته‌ای اصلی دارد و ما خواستار تسلیم شدن این تأسیسات به آمریکا شدیم. اما در طول مذاکرات، ایران خواستار ادامه یافتن برنامه غنی‌سازی اورانیوم خود شد. واژه غنی‌سازی اورانیوم، واژه بدی است. من اجازه آن را ندادم و نخواهم داد.» ترامپ در توجیه حمله تجاوزکارانه خود علیه ایران ادعا کرد: «۶ روز مذاکره کردیم و در آخر تصمیم گرفتیم اقدام کنیم.» تلاش او برای مقصر جلوه دادن ایران درحالی است که به ادعان شخص ترامپ، طرح آمریکا برای مذاکره با ایران، پوششی برای کمک به برنامه رژیم صهیونیستی برای حمله به ایران بود. در همین راستا، از ماه آوریل، ایران و ایالات متحده مذاکرات غیرمستقیمی را با هدف یافتن یک راه‌حل دیپلماتیک جدید در مورد برنامه هسته‌ای ایران، به‌رغم اینکه تهران تأکید دارد برنامه‌اش صلح‌آمیز است، انجام داده‌اند اما واشنگتن مدعی است که می‌خواهد مطمئن شود ایران نمی‌تواند سلاح هسته‌ای بسازد. در حالی که مذاکرات میان ۲ کشور در جریان بود، رژیم صهیونیستی روز ۱۳ ژوئن (۲۳ خردادماه) به این بهانه که برنامه هسته‌ای ایران تهدیدآمیز است، حملات علیه این کشور را آغاز کرد که به درگیری میان تهران و تل‌آویو منجر شد و ۱۲ روز ادامه داشت.

آمریکا نیز در پاسخ به خواسته رژیم صهیونیستی حملاتی را علیه تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ایران که تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار داشت، انجام داد. ایران در پاسخ به این تجاوز، پایگاه نظامی آمریکا در قطر، موسوم به «العیدید» را هدف قرار داد.

رئیس‌جمهور آمریکا متذکر شده از تأسیسات محرمانه منتشر شده درباره عدم دستیابی به اهداف حملات به ایران، مدعی شد: «دموکرات‌ها این اطلاعات‌های محرمانه علیه ایران را منتشر کردند.» رئیس‌جمهور آمریکا همچنین بدون اشاره دوباره به دموکرات‌ها، گفت افرادی که این اطلاعات را درز دادند، باید محاکمه شوند. او در پاسخ به سوالاتی درباره منتقل شدن ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران به مکان‌هایی امن پیش از حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران گفت: «کار بسیار دشوار و خطرناکی است. ذخایر اورانیوم بسیار سنگین وزن هستند.

آن‌ها ذخایر اورانیوم خود را منتقل نکردند.»

رئیس‌جمهور آمریکا مدعی شد: «ایران از تصمیم ما برای حمله به این تأسیسات اطلاعی نداشت. هیچ‌کس نمی‌دانست. حتی اگر می‌دانستند، کسی فکر نمی‌کرد به آن تأسیسات (فردو) حمله کنیم، زیرا بسیاری با اشاره به عمق این تأسیسات فکر می‌کردند هرگونه حمله‌ای با شکست مواجه شود.»

او با اشاره به تصاویر منتشر شده از تأسیسات هسته‌ای فردو و حضور ماشین‌های سنگین ادعا کرد: «این ماشین‌های سنگین، برای مستحکم‌تر کردن درچه‌های فردو در این تأسیسات حضور داشتند. اما بمب‌های ما به راحتی به فردو نفوذ کردند.» ترامپ در تمجید جنایات خود علیه ایران گفت: «کار ما فوق‌العاده بود. سراسر تأسیسات فردو نابود شده است. اسرائیل آسیب‌هایی وارد کرده بود، اما ضربات نهایی را ما وارد کردیم.» رئیس‌جمهور آمریکا همچنین گفت که ممکن است خلبان‌هایی که در حملات به ایران مشارکت داشتند، به کاخ سفید بروند. او در پاسخ به سوالاتی درباره تصمیم ایران برای تعلیق همکاری‌های خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ادعا کرد: «تا مدت‌ها ایران به سوی صنعت هسته‌ای حرکت نخواهد کرد. آن‌ها این صنعت را داشتند و ۲۵ سال برای آن تلاش کردند.» رئیس‌جمهور آمریکا در پاسخ به سوال ادعایی دیگری مبنی بر اینکه «ایران چرا باید از رسیدن به سلاح هسته‌ای صرف نظر کند؟» گفت: «ایران بسیار خسته پرسیده شد که در پاسخ بیان کرد، حرف‌های ترامپ درست نیست.

به گزارش ایستا، ابراهیم رضایی در توضیح جلسه امروز یکشنبه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس گفت: این جلسه با حضور آقای تخت‌روانچی معاون سیاسی وزیر امور خارجه برای ارائه گزارشی از فعالیت‌ها و اقدامات وزارت خارجه از

یاسر هاشمی



در میانه قرن‌ی که میدان جنگ ، دیگر فقط میدان مین و استحکام سنگر و خاکریز نیست؛ و حفظ امنیت ملی شاخصه های گوناگونی دارد و در عصری که «بازدارندگی» فقط قدرت نظامی نیست، ایران عزیز درگیر جنگی ۱۲روزه با اسرائیل شد. جنگی که شاید در رسانه‌ها پرمیاهو بود، اما در بطن جامعه، سکوتی هوشمندانه، صحنه ایستادگی مردمی را به گونه ای شکل داد که دور از هیاهو بود.

این بار ، برخلاف دفعات متعدد تاریخی، قدرت نظامی، مبهوت اقتدار ملی شد. هر کارشناس نظامی و هر تحلیلگر سیاسی می‌دانست ارتشی به جنگ ایران آمده بود که از لحاظ تسلیحات ، عصاره قدرت های جهانی و از لحاظ اطلاعات و امنیت، آگاه به تمام روزنه ها بود، اما نمی‌دانستند ایران، مردمانی دارد که در انتقاد از رفتار سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حاکمان خویش شاید جزو و مدی چون خلیج فارس دارد ، اما به هنگام تعرض به کیان و هنگامه دفاع، با همه فواره های آتشین انتقاد، صلابتی چون کوه دماوند دارند. مردمی که روزنه امید متجاوزان، یعنی شفاف های سیاسی و اقتصادی و تناقضات بین نسلی فرهنگی را با اتحادی نانوشته، به طرز شگفت‌انگیزی دژ اقتدار ایران ساختند.

این مقال ، مجالی برای فهم عمیق تر حماسه ملی در جنگی است که حالا دیگر با عنوان «جنگ دوازده روزه» بر تاریخ ایران نشست و رفتار مردم ایران بر تارک آن می‌درخشد که علی‌رغم گلایه های اقتصادی و شکوه های سیاسی از حاکمیت، روز خطر، جان و مال خود را بر طبق اخلاص گذاشتند و به زبان ملی فریاد برآوردند که «چو ایران نباشد، تن من مباد»

آری ، جنگی که در پایان بهار ۱۴۰۴ میان ایران و اسرائیل در گرفت، نه رسمی اعلام شد و نه خطوط جبهه‌ای مشخص داشت؛ اما واقعیتش، از هر نبرد کلاسیکی واقعی‌تر بود. صدای

گوش خراش موشک‌هایی که در اعماق شب، تهران را می‌لرزاندند، صدای دلنواز پدافندهایی که از جای جای ایران بر می‌خواست و در نهایت خون های پایی که بر زمین ریخته شد ، همه حکایت از یک درگیری تمام‌عیار داشت.

اگرچه اسرائیل با شیخون آغازین، سرآمدی اطلاعاتی، نفوذ سایبری و دقت تسلیحاتی خویش را به رخ می‌کشید، ایران نیز با تکیه بر توان پهبادی، پدافند بومی و قدرت موشکی نشان داد که در نمایش قدرت دستی دارد ، هرچند از نظر فنی و تجهیزات، کفه ترازوی جنگ به نفع اسرائیل سنگین‌تر می‌نمود. سامانه‌های ضدموشکی چندلایه، اطلاعات لحظه‌ای از خاک ایران، قابلیت نفوذ به زیرساخت‌های حیاتی و هماهنگی لحظه‌به‌لحظه با ایالات متحده، توانمندی‌هایی بود که ایران ابعاد مشابه آن را در اختیار نداشت.

اما جنگ‌ها فقط با فناوری‌ها تعیین نمی‌شوند؛ روان جامعه هم یک سلاح است. در این جنگ، مردم ایران چیزی را به نمایش گذاشتند که برای تحلیلگران امنیتی قابل پیش‌بینی نبود: «برتری روانی» و پایداری درونی.

در حالی که احتمال حمله واقعی به شهرهای بزرگ، هر لحظه مطرح بود و حتی صراحتا از مردم تهران خواستند که شهر را ترک کنند، وحشتی در مقیاس عمومی مشاهده نشد. مردمانی دارد که در انتقاد از رفتار سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حاکمان خویش شاید جزو و مدی چون خلیج فارس دارد ، اما به هنگام تعرض به کیان و هنگامه دفاع، با همه فواره های آتشین انتقاد، صلابتی چون کوه دماوند دارند. مردمی که روزنه امید متجاوزان، یعنی شفاف های سیاسی و اقتصادی و تناقضات بین نسلی فرهنگی را با اتحادی نانوشته، به طرز شگفت‌انگیزی دژ اقتدار ایران ساختند.

این مقال ، مجالی برای فهم عمیق تر حماسه ملی در جنگی است که حالا دیگر با عنوان «جنگ دوازده روزه» بر تاریخ ایران نشست و رفتار مردم ایران بر تارک آن می‌درخشد که علی‌رغم گلایه های اقتصادی و شکوه های سیاسی از حاکمیت، روز خطر، جان و مال خود را بر طبق اخلاص گذاشتند و به زبان ملی فریاد برآوردند که «چو ایران نباشد، تن من مباد»

آری ، جنگی که در پایان بهار ۱۴۰۴ میان ایران و اسرائیل در گرفت، نه رسمی اعلام شد و نه خطوط جبهه‌ای مشخص داشت؛ اما واقعیتش، از هر نبرد کلاسیکی واقعی‌تر بود. صدای

تصمیم گرفتند از خاک دفاع کنند. نه با اسلحه، بلکه با حضور، با نجابت، با ماندن. این پدیده، نشانگر نوعی «وطن‌دوستی» عمیق است که ریشه در باورهای فرهنگی و عشق به تاریخ و جغرافیای ایران دارد. مردم به حکومت انتقاد دارند، اما به ایران وفادارند. در فضای مجازی، کسانی که تا دیروز نظام را سرزنش می‌کردند، در روز خطر، از حمله خارجی ابراز نگرانی می‌کردند. حتی اپوزیسیون خارج نشین به اسرائیل نهیب می‌زدند و این یعنی وطن‌پرستی بی‌قید و شرط و مفهومی نوین از وطن‌پرستی در ایران .

در ادبیات سیاسی کلاسیک، وطن‌پرستی با حمایت از دولت یا پیروی از رهبران معنا پیدا می‌کرد. اما در ایران امروز، نسل جدید مفهومی نو از وطن‌دوستی خلق کرده است: «حمایت از سرزمین، فارغ از رضایت از حاکمیت».

این نسل، باهوش‌تر از آن است که اسیر تبلیغات شود، و باوقارتر از آن‌که خاک خود را در لحظه خطر رها کند. و این یعنی، پیوندی فراتر از مرزهای سیاسی در حال شکل‌گیری است. پیوندی میان مردم و سرزمین، نه مردم و حکومت .

در بسیاری از کشورهای بحران‌زده، جنگ یا تهدید دیگران، بلافاصله با موجی از بی‌نظمی، غارت، سرقت و فروپاشی نظم اجتماعی همراه می‌شود؛ اما در ایران این روزها، عکس آن رخ داد.

حتی در زمانی که خانه‌های شمال تهران خالی از سکنه شدند، یا برخی خانواده‌ها موقتاً به ویلاهای خارج از شهر رفتند، نشانه‌ای از سرتپ یا بی‌نظمی گزارش نشد. اتفاقی که یک پرسش جدی پدید می‌آورد: آیا این حالت، اتفاقی بود؟ یا نشانه‌ای از احترام خاموش به لحظه‌های خاص؟

در تحلیل جامعه‌شناختی، این را می‌توان «بازسازی مسئولیت مدنی» نامید. حتی آنان‌که در شرایط عادی، شاید برای دستاورد شخصی، قانون را دور می‌زدند، در لحظه خطر، از فرصت سوءاستفاده نکردند. این رفتار، نه محصول دین بود، نه ترس از قانون؛ بلکه احترام به سرزمینی بود که در معرض تهدید است. شاید بتوان گفت، حتی «خلافت‌کار»ترین افراد جامعه، در ناخودآگاه خود، هنوز یک خط قرمز دارند: ایران، ملک غریبه نیست.

در تجربه‌های تاریخی کشورهایی که از بحران‌های خارجی جان سالم به‌در بردند، همیشه لحظاتی بوده که «ملت» توانست قدرتی فراتر از «دولت» نشان دهد. این لحظات، در صورت درک صحیح حاکمان، به اصلاح ساختار سیاسی و تقویت مشروعیت منجر شده است.

جنگ ۱۲ روزه، چنین لحظه‌ای بود. مردم، بدون دستور، بدون بسیج رسمی، بدون تبلیغات حکومتی، وطن را تنها نگذاشتند. حالانویت حاکمیت است که نشان دهد آیا شایستگی فهم این رفتار را دارد یا نه؟

تخت‌روانچی در کمیسیون امنیت ملی:

هیچ قرار ملاقاتی با آمریکایی‌ها نداریم

ابتدای تجاوز رژیم صهیونیستی برگزار شد.

وی توضیح داد: آقای تخت‌روانچی با اشاره به تشیع پرشور و حماسی شهادی اقتدار در تهران، بیان کرد که عظمت تشیع شهدا و حضور گسترده مردمی، نشان داد که مردم پای انقلاب هستند و ما با همدلی این دوران را پشت‌سر می‌گذاریم. سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس افزود: معاون وزیر خارجه همچنین گفت که برخی مقامات کشورها پیام می‌دهند که دیپلماسی را ادامه دهید، ما در پاسخ می‌گوییم که وسط دیپلماسی بودیم که این تجاوز صورت

اگر امروز حاکمان از این رفتار مردم درس بگیرند، شاید به این نتیجه برسند که برای حفظ کشور، نیازی به سرکوب نیست، بلکه به احترام است. نیازی به ارباب نیست، بلکه به گفت‌وگو است. در غیر این‌صورت، اگر این فرصت فهم از دست برود، آن اتحاد نانوشته، ممکن است برای همیشه خاموش شود. در دوران دفاع مقدس ، خرمشهر نماد ایستادگی مردم بود. مردمی که خانه‌هایشان ویران شد، اما وطن را ترک نکردند. عشق به ایران با حمایت از نظام یکی بود.موضوعی که با گذشت زمان و بروز و ظهور نسل تازه ، چون گذشته نیست. اکنون مردم، حتی بدون همراهی سیاسی با حاکمیت، همان ایستادگی را نشان می‌دهند. و این یعنی «عشق به وطن» در ایران، یک پدیده ریشه‌دارتر و ماندگارتر از هر حکومت یا نظام سیاسی است.

باید باور کنیم نسل امروز شاید همان میزان فداکاری را دارد، اما با تعریف متفاوت. او به قانون اساسی وفادار نیست، اما به خاک وفادار است. او جمهوری اسلامی را نقد می‌کند، اما ایران را نمی‌فروشد.

و به قول ایت الله هاشمی رفسنجانی شاید فردا ما نباشیم ، ایران که هست ، فرزندان ما که هستند

این عشق مفهومی ، یکی از عمیق‌ترین نقاط عطف تاریخی در رفتار سیاسی امروز مردم ایران است.

به حاکمان کشور باید هشدار داد: اگر امروز مردمی که هر روز با مشکلات معیشتی، محدودیت‌های سیاسی و بی‌اعتمادی نهادی روبه‌رو هستند، باز هم در لحظه خطر، خاک را تنها نمی‌گذارند، این نه از ترس، بلکه از اصالت است.

اما هیچ اصالتی تاابد صبر نمی‌کند. اگر این سرمایه اجتماعی نادیده گرفته‌شود، اگر به جای احترام به آن، سوءاستفاده شود، در جنگ بعدی شاید دیگر کسی نباشد. اتحاد اجتماعی، مثل سرمایه مالی، نیاز به اعتماد، رشد و نگهداری دارد. مردمی که روز خطر، شریف‌ترین رفتار ممکن را از خود نشان دادند، مستحق حکومتی هستند که آنان را درک کند.

در پایان، جنگ ۱۲روزه با اسرائیل، آزمونی بود نه فقط برای سامانه‌های پدافندی یا میزان آمادگی نظامی، بلکه برای روح جمعی یک ملت. و این ملت، آزمون را با سرفرازی گذراند. رفتار اجتماعی مردم در این بحران، نشان داد که ایران از آن مردمی است که خاک را عزیزتر از حکومت می‌دانند. اگرچه شاید از حکومت نا امید شده‌اند، اما از کشور نه .

این وطن‌دوستی بی‌صدا، باید شنیده شود. نه با تبلیغ، نه با سانسور، بلکه با سیاست‌گذاری‌های تازه، با شنیدن ما به اصلاح، با بازگشت به مردم، زیرا اگر بار دیگر جنگی آغاز شود، آن‌چه کشور را نگه می‌دارد، نه فقط موشک، بلکه قلب‌هایی است که هنوز می‌تپد برای نامی به‌نام ایران.

گرفت آن هم قبل از دور ششم مذاکرات با آمریکایی‌ها.

رضایی اضافه کرد: تخت‌روانچی گفت که در پاسخ به تقاضاهای مذاکره، این موضوع بیان می‌شود که ما همیشه از دیپلماسی حمایت کرده‌ایم ولی اکنون تعداد زیادی از مردم و فرماندهان ما به شهادت رسیده‌اند و مردم از حمایت‌های غرب و از تجاوز به کشورمان متنفر و عصبانی هستند. همچنین سوال این است که چه تضمینی وجود دارد آمریکا دوباره در حین مذاکره زیر میز مذاکرات نزند.